



خواهند گرفت مورد احترام جمهوری اسلامی خواهد بود.  
**یکی از حوزه های زیر مجموعه معاونت شما فلسطین است. چه رابطه ای بین این تحولات در سوریه و جنگ ۸ روزه در غزه می بینید؟**

اوضاع سوریه رژیم صهیونیستی را به خطای تحلیل واداشت به گونه ای که فکر کرد امروز سوریه در ضعیف ترین وضعیت خودش قرار دارد و اگر به غزه حمله کند می تواند آن را مقدمه حمله به لبنان قرار دهد اما واقعیت های صحنه نشان داد که برعکس بوده و تحولات حوزه بیداری اسلامی وضعیت مقاومت در منطقه را ارتقا داده است. واقعیت این بود که اگر در گذشته حملات رژیم صهیونیستی ۲۲ روز یا ۳۳ روز تداوم داشت الان به برکت بیداری اسلامی و با وجود طراحی پیچیده و مهندسی شده آمریکایی – صهیونیستی در قبال سوریه در کمتر از ۱۰ روز مسائل به نفع مقاومت پایان یافت حتی در جریان جنگ اخیر در غزه بر خلاف جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه که آخرین شلیک ها را رژیم صهیونیستی انجام داد آخرین شلیک ها به سمت تل آویو و عمق استراتژیک اسرائیل توسط جریان مقاومت انجام شد.

**در باره همین بحث ما شاهد بودیم که ایران و گروه های جهادی به ویژه حماس بر سر مواضع ما در قبال سوریه به چالش بر خوردند و زاویه پیدا کردند. این مسئله را چگونه ارزیابی می کنید؟**

من باید در این جا دو نکته را بگویم. نکته اول این است که تحولات حوزه بیداری اسلامی به دلیل سرعت عمق و گستره اش موج هایی ایجاد کرد که برخی از طرف ها در این مجموعه را

**کسانی که در خیابان ها بودند و الان نفس های آخر را می کشند و گروه های مسلح مخالف کجا هستند؟ مردم سوریه کجا هستند و چرا نمی آیند در میدان های بزرگ پایتخت مطالبات خودشان را بگویند؟**

دچار خطا در تحلیل کرد. شخصا معتقدم دوستان ما در حماس در قبال تحولات در سوریه دچار خطای تحلیل شدند اما به مرور با آشکار شدن بیشتر واقعیات و با نگاه به بازی خطرناک و کثیف طرف های مقابل در سوریه در هر گام واقع بینانه تر مسائل این کشور را دنبال کردند. این به این معنا نبود که حماس از سوریه جدا یا از مقاومت خارج شده بلکه رهبران حماس درک درستی از مسائل نداشتند. می خواهم بگویم برداشت و تحلیل آن ها با برخی ابهامات و شتابزدگی ها همراه بود.

**در مورد بحرین تلاشی هم داشته اید تا همچون سوریه گفت و گوهایی ملی شکل بگیرد؟**

بله ما تلاش های مختلفی داشتیم برای این که همین کاری را که برای سوریه انجام دادیم به دلیل نگاه واحدمان بود. در ماه رمضان گذشته هم توافقی در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی در جده شکل گرفت و پادشاه بحرین در دیداری که با وزیر خارجه ما داشت ایده های مثبت و سازنده ای را برای گفت و گوها ارائه داد و جمهوری اسلامی هم آمادگی خود را برای میانجی گری اعلام کرد تا در راستای طرح جامع سیاسی به حل و فصل مسائل برای جلوگیری از کشته شدن و سرکوب مردم بحرین و در عین حال تکمیل فرآیند اصلاحات در این کشور کمک کند.

سوریه بلکه در سایر کشورهایی که این تحولات صورت گرفته حتماً باید با الگوهای دموکراتیک باشد تا مردم در یک فضای آرام و به دور از خشونت فرصت انتخاب داشته باشند.

این مردم هستند که باید تصمیم بگیرند اما این که دیگران بخواهند دخالت کنند از نظر ایران قابل قبول نیست چه این مداخله در سطح منطقه ای باشد و چه در سطح بین المللی.

**در مورد سیاست ترکیه درباره سوریه چه نظری دارید؟**

من احساس می کنم ترک ها هم در رفتارشان و هم در دیدگاه هایشان هر چند کند و کم سرعت تغییر موضع داده اند و به سمت واقع بینی حرکت می کنند.

**برخی اخبار و پیشنهادها در مورد مذاکره مستقیم ایران و آمریکا در موضوع سوریه شنیده می شود. تا چه حد این اخبار صحت دارد و موضع کشورمان در این باره چیست؟**  
 بله گاه آمریکایی ها برخی سیگنال هایی را در این حوزه می دهند که آخرین مورد را هم آقای رایان کرکر سفیر سابق ایالات متحده در عراق مطرح کرد که می دانید اورئیس گروه مذاکره کننده با ایران در مورد عراق هم بوده و این ایده را مطرح کرده که الان زمان مذاکره ایران و آمریکا در مورد سوریه فرا رسیده اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون هیچ تصمیمی در این باره نگرفته و ما معتقدیم مسئله سوریه با داشتن ابعاد مختلف منطقه ای و بین المللی باید در داخل سوریه حل و فصل شود.

**برخی حضور یا حضور نیافتن بشار اسد را خط قرمز جمهوری اسلامی در سوریه می دانند نظر شما در این باره چیست؟**

ببینید بر اساس اطلاعات و مشاهداتی که ما داریم ممکن است در نظام سیاسی سوریه فساد سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشد که قطعاً مثل بسیاری از نظام های سیاسی وجود دارد اما در مورد شخص بشار اسد من استناد می کنم به حرف یکی از اندیشمندان بزرگ جهان عرب که مایل نیست نامش را ببرم که در ملاقاتی به من گفت اگر الان با وجود همه شرایطی که در سوریه گذشته انتخاباتی برگزار شود و بشار اسد یکی از کاندیداها باشد فارغ از درصد آرا قطعاً پیروز انتخابات خواهد بود. جدا از نوع برخورد دولت با معارضه و اشکالاتی که در نظام سوریه وجود دارد آن چه به شخص بشار اسد در داخل اعتبار داده جایگاهش در محور مقاومت است. باید مسائل جهان عرب را از دید یک عرب دید و نقش یک رهبر عرب را در حمایت از مقاومت و تأثیرش بر روحیه مردم آن کشور بررسی کرد. مردم سوریه الان کجا هستند؟ کسانی که در خیابان ها بودند و الان نفس های آخر را می کشند و گروه های مسلح مخالف کجا هستند؟ مردم سوریه کجا هستند و چرا نمی آیند در میدان های بزرگ پایتخت مطالبات خودشان را بگویند؟ چرا سوریه را وارد جنگ تروریستی کردند؟ چون این شناخت درست را از مردم سوریه داشتند که این مردم بر خلاف مردم مصر و تونس و دیگران که یکی از دلایل خیزش آن ها احساس حقارت در برابر رفتار رهبرانشان با آمریکا و اسرائیل بود، افتخار می کردند و این چیزی است که شما باید در داخل سوریه با شنیدات با تمام وجود حس کنید. گروه های مخالف می دانند که مردم سوریه را نمی توان با الگوی مصر علیه حکومت برانگیخت مگر این که یک جنگ تمام عیار در قالب ناتوی ائتلاف بین المللی شروع شود که آن هم مشکلات خاص خودش را دارد و نتوانستند وارد این فضا شوند برای همین سعی کردند از طریق دیگر نیروهای مسلح را وارد کنند.

مطلب دیگر این که همین الان بشار اسد خیلی راحت با خانواده اش در رستوران با مردم غذای خورد و این به خاطر نوع تعاملی است که در آن جا با مردم دارد. بله قبول داریم که آقای اسد در اصلاحات سیاسی تأخیر داشت، او می توانست از فرصت ها بهتر استفاده کند اما خیلی از رهبران عرب هم هستند که خطاهای بسیار بزرگ تری دارند و اگر قرار باشد یک رهبر جهان عرب یا اسلامی را به خاطر تأخیر در اصلاحات کنار بگذاریم باید خیلی از آن ها را بر کنار کرد. پس برای ما بشار اسد همچنان به دلایل مختلف مناسب ترین گزینه در سوریه است اما این که مردم سوریه در یک فضای به دور از خشونت چه تصمیمی

بودند به مرکزی برای چالش در منطقه و فشار به سمتی بردند که هر کس در سوریه برنده نشود برنده کل سناریو در منطقه باشد و لذا آن چه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در مورد سوریه انجام داد به نظر می یکی از منسجم ترین و قوی ترین کارهایی بود که انجام داده و نتیجه آن را شما الان می بینید.

**یعنی شما تأخیر در واکنش را رد می کنید؟**

بله ما در انجام اقداماتمان تأخیری نداشتیم.

**حتی در حوزه رسانه و پوشش تحولات سوریه توسط صدا و سیما؟**

در حوزه رسانه ای هم معتقدم اقدامات به موقعی انجام شد اما پیچیدگی فضا به گونه ای بود که این تصورات و توهومات را می توانست دامن بزند. شما ببینید طرف های مقابل اگر می خواستند مداخله گر ایانه وارد نشوند اعم از آمریکا، فرانسه، انگلیس، عربستان، قطر، ترکیه و... باید فرصت می دادند؛ اگر ادعا داشتند در سوریه هم انقلابی در جریان است باید فرصت می دادند تا این انقلاب به همان شیوه تونس و میدان التحریر قاهره خودش را نشان دهد. اما این گونه نبود و سوال این جاست که چرا تحولات در سوریه با ۳ ماه تأخیر شروع شد؟ و چرا وقتی شروع شد فرصت ندادند و به سرعت سوریه را وارد جنگ تروریستی کردند و سلاح به این کشور فرستادند؟ جواب اصلی این سوالات این است که ماهیت تحولات سوریه متفاوت بود و این ماهیت پیچیده ایجاب می کرد که در همه ابعاد کار سنجیده و دقیقی انجام شود چه در بخش دیپلماسی پنهان و چه در دیپلماسی آشکار و در این میان برای ما مهم بود که خروجی این تحولات مثبت باشد.

**به گذشته دور تر برویم. یکی از حرف های مخالفان این است که خاندان اسد ۴ دهه بر سوریه حکومت کرده و حکومتش هم ناشی از کودتای ۱۹۷۱ حافظ اسد است پس مشروعیت ندارد. چرا جمهوری اسلامی از چنین حکومتی حمایت می کند و توقع رفتار دموکراتیک دارد؟**

اولاً روشن کنیم که ما هیچ وقت نمی گوئیم که سوریه هیچ مشکلی ندارد. حتماً سوریه هم مثل بسیاری از کشورهای عربی نیازمند اصلاحات است، حتماً نظام تک حزبی در سوریه به عنوان یک نظام سیاسی مورد تأیید ما هم نیست و اصلاحات امری ضروری در آن کشور است اما شما وقتی از سوریه صحبت می کنید باید سوریه را در جهان عرب ببینید. در همین دنیای عرب کنونی کشوری است که اتفاقاً آن هم با کودتای کارآمده اما خیلی از طرف ها هم آن را به رسمیت می شناسند و با آن کار می کنند. اگر بخواهیم نظام های استبدادی، توتالیتر و غیر دموکراتیک و کودتایی را نادیده بگیریم و روابط را با این نگاه تنظیم کنیم در جهان عرب کم نیستند از این نظامات و در نتیجه باید دروازه های روابط ما را با تعداد زیادی از این کشورها برای همیشه ببندیم.

ثانیاً بالاخره با وجود پیشینه ای که برخی از این کشورها داشتند در مقطعی وارد فرآیند دموکراتیک شدند. در این میان یکی از شاخص های دموکراسی انتخابات است که ممکن است در بسیاری از این کشورها ظاهری از انتخابات اگر چه مهندسی شده هم باشد. اما در مورد سوریه فراموش نکنید که وقتی ما از این کشور صحبت می کنیم سوریه ای را می گوئیم که در محور مقاومت است و در ۸ سال دفاع مقدس و حمایت های همه جانبه از صدام در کنار ما بود. سوریه ای که وقتی خیلی از کشورها در جریان جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و ۸ روزه در غزه یا سکوت کردند یا با محور آمریکارژیم صهیونیستی و غرب همکاری داشتند بشار اسد با تمام مشکلاتی که به لحاظ اصلاح نظام سیاسی دارد با تصمیمی شجاعانه علناً به حمایت از مقاومت فلسطین و حزب... پرداخت و ما بدون شک نمی توانیم این مسائل را در معادلاتمان نادیده بگیریم.

اما الان صحبت از یک نظام سیاسی است که مردم مطالباتی داشتند که طرف های مقابل فرصت ندادند تا مردم مطالباتشان را مطرح کنند و حتی به بشار اسد هم که اصلاحات را شروع کرده بود و معرضان که می خواستند کار سیاسی کنند این فرصت داده نشد و سوریه را وارد یک جنگ تروریستی تمام عیار کردند. با این حال جمهوری اسلامی ایران معتقد است نه در

ویژه نامه نوروزی  
 روزنامه خراسان  
 فروردین ۱۳۹۲

